

باسمه تعالی

جزوه بلاغت (معانی ، بیان و بدیع)

به همراه تست های کنکور با جواب تشریحی

گردآورنده:

دکتر سعیده بیرجندی

تشبیه:

تشبیه در اصطلاح عبارت است از قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیشتر

ارکان تشبیه:

هر تشبیه دارای چهار رکن است که عبارتند از :

الف) مشبه: چیزی که به چیز دیگر تشبیه می شود

ب) مشبه به: چیزی که مشبه به آن تشبیه می شود

ج) وجه شبه: صفت مشترک مورد نظر بین مشبه و مشبه به

د) ادات تشبیه: وسیله ای که مشبه را با مشبه به پیوند می دهد

توجه: به مشبه و مشبه به ارکان تشبیه یا طرفین تشبیه گفته می شود.

وجه شبه باید در مشبه به قوی تر از مشبه باشد.

أنت	مثل	الأسد	فی الشجاعة
مشبه	ادات تشبیه	مشبه به	وجه شبه

تشبیه حسی و عقلی:

ارکان تشبیه یا هر دو حسی است و یا هر دو عقلی و یا یکی عقلی و دیگری حسی

الف) هر دو عقلی : الجهل كالموت

ب) هر دو حسی: أنت كالوردة

ج) مشبه حسی، مشبه به عقلی طیب السوء كالموت

د) مشبه عقلی، مشبه به حسی : العلم كالنور

عقلی آن است که با حس درک نشود که:

یا ذهنی است (اندیشه ، آرزو، زیرکی)

یا وهمی است ()

یا وجدانی (اندوه ، شادی ، گرسنگی)

مفرد یا مرکب بودن طرفین تشبیه

ارکان تشبیه دو گونه است

مفرد :

مفرد مطلق: وجهه كالقمر

مفرد مقید:

وجهه مبتسما كالقمر المنیر

وجهه مبتسما كالقمر

وجهه كالقمر المنیر

منظور از مقید بودن این است که مشبه یا مشبه به چیزی از قبیل صفت یا قید داشته باشد که در وجه شبه اثر داشته باشد.

مرکب: کأن مثار النقع فوق رؤوسنا و آسیافنا لیل تهاوی کواکبه

تشبیه مرکب آن است که جداسازی اجزاء آن ممکن نباشد یعنی متکلم خواسته باشد یک هیئت را به چیزی تشبیه کند.

الف) هر دو مرکب: کأن سهیلا و النجوم وراءه صفوف صلاة قام فیها إمامها

ب) مشبه مفرد مشبه به مرکب: أغر أبلج تأتم الهداة به كأنه علم فی رأسه نار

ج) مشبه مرکب مشبه به مفرد لاتعجبوا من خاله فی خده كل الشقیق بنقطة سواد

تقسیم ارکان تشبیه از لحاظ تعدد:

توجه: انواع تشبیه های زیر زمانی وجود دارد که مشبه یا مشبه به بیش از یکی باشد.

الف) تشبیه ملفوف: آن است که مشبه ها در کنار هم و مشبه به ها نیز در کنار هم بیایند

لیل و بدر و غصن شعر و وجه و قد

ب) تشبیه مفروق: آمدن هر مشبه در کنار مشبه به خود

النشر مسک و الوجوه دنا نیر و أطراف الأكف عنم

ج) تشبیه تسویه: آن است که مشبه متعدد باشد و مشبه به یکی

صدغ الحیب و حالی کلاهما کاللیل

د) تشبیه جمع: آن است که مشبه به متعدد باشد و مشبه یکی

كأنما يبسم عن لؤلؤ منضد أو برد أو أفاح

تقسیم تشبیه به اعتبار وجه شبه

الف) تشبیه تمثیل: آن است که وجه شبه صفت برداشته شده از چند چیز باشد

و ما المرء إلا كالشهاب و ضوءه یوافی تمام الشهر ثم یغیب

یا

یهز الجیش حولک جانبیه کما نفضت جناحیها العقاب

ب) تشبیه غیر تمثیل: تشبیهی است که وجه شبه صفت برداشته شده از چند چیز نباشد

لا تطلبین بآله لک رتبه قلم البلیغ بغير حظ مغزل

ج) تشبیه مفصل: تشبیهی است که وجه شبه یا ملزومش ذکر شود

شبیبه البدر حسنا و ضیاء

د) تشبیه مجمل: تشبیهی است که وجه شبه یا ملزومش ذکر نشود

إنما الدنیا کبیت نسجه من عنکبوت

انواع تشبیه به اعتبار ادات تشبیه

ادات تشبیه سه نوع است

الف) اسم: وجهه مثل البدر

ب) فعل: وجهه یشبه البدر

ج) حرف: وجهه کالبدر

تشبیه به اعتبار ادات به دو نوع تقسیم می شود:

الف) مؤکد: تشبیهی است که ادات آن حذف شده است

أنت نجم فی رفعة و ضياء

تشبیه اضافی نیز یک نوع از تشبیه مؤکد است:

والريح تعبت بالغضون و قد جرى ذهب الأصيل على لجين الماء

ب) مرسل: تشبیهی که ادات تشبیه در آن ذکر شده است

انما الدنيا كبيت نسجه من عنكبوت

تشبیه ضمنی: تشبیهی است که مانند انواع تشبیه‌ها نیست و تشبیه در آن نهفته است

در تشبیه ضمنی هیچ‌گاه ادات تشبیه و وجه شبه ذکر نمی شود و فقط به مشبه و مشبه به اشاره می شود.

من يهن يسهل الهوان عليه ما لجرح بميت ايلام

تشبیه مقلوب: تشبیه مقلوب آن است که برای تأکید جای مشبه و مشبه به عوض شود و یا به عبارت دیگر وجه شبه

در مشبه قوی‌تر از مشبه به باشد

و بدا الصباح كأن غرته وجه الخليفة حين يمتدح

یک نوع تشبیه مقلوب وجود دارد که تشبیه تفضیل نامیده می شود و آن تشبیهی است که چیزی به چیز دیگر تشبیه

شود و سپس با ادعای برتری مشبه بر مشبیه به تشبیه بی فایده دانسته شود

حسبتُ جمالها بدرا منيرا و أين البدر من ذاك الجمال

تشبیه بلیغ: تشبیهی است که در آن فقط ارکان تشبیه ذکر شود و یا به عبارت دیگر وجه شبه و ادات حذف شود.

سعید أسد که در اصل این گونه بوده است : سعید كالأسد فی الشجاعة

تست های مربوط به مبحث تشبیه:

۱- (تزدحم القصاد فی بابه و المنهل العذب کثیر الزحام) التشبيه فی البيت... (۸۸)

الف) بلیغ (ب) تمثیلی (ج) ضمنی (د) مقلوب

۲- عین الخطأ فی نوع التشبيه (۸۸)

الف) کلامه بیان و صمته لسان . مؤکد

ب) کن فی الفتنة کابن اللبون مجمل

ج) الولايات مضامیر الرجال: بلیغ

د) إن له امرأة کعلقة الکلب أنفه: مفصل

۳- أخی شجر لا یخلف ثمره) عین الخطأ فی نوع التشبيه (۸۹)

الف) بلیغ (ب) مؤکد مفصل (ج) مفرد صریح (د) مؤکد مجمل

۴- هو حیاة أصدقائه و حتف أعدائه) فی العبارة تشبیه بلیغ علی صورة... (۸۹)

الف) الجمع (ب) التسویة (ج) الملفوف (د) المفروق

۵- کم نعمة مرت بنا و كأنها فرس یهرول أو نسیم سار) فی البيت تشبیه (۸۹)

الف) تسویة (ب) جمع (ج) مؤکد (د) مفروق

۶- جمرة الخد أحرقت عنبر الخال فمن ذلك العذار دخان (عین الصحیح عن التشبیهات الثلاثة فی البيت

الف) مقلوبان و بلیغ (ب) الثلاثة من نوع المقلوب

ج) مقلوب و بلیغان (د) الثلاثة من نوع البلیغ

۷- مثل الذی یعلم الخیر و لایعمل به مثل السراج یضیء للناس و یحرق نفسه) نوع التشبیه.... و طرفاه

الف) التمثیل / مرکبان (ب) التمثیل / مفردان مقیدان

ج) بلیغ / مفردان (د) غیر التمثیل مفردان

۸- عین ما لیس فیہ التشبیه الضمنی

الف) علا فما تستقر المال فی یده و کیف تمسک ماء قنة الجبل

ب) من یهن یسهل الهوان علیه ما لجرح بمیت ایلام

ج) و غیر نقی یأمر الناس بالتقی طبیب یداوی الناس و هو مریض

د) و ما أنا منهم بالعیش فیهم و لكن معدن الذهب الرغام

جوابها:

۱- گزینه الف

۲- گزینه د

۳- گزینه ب

۴- گزینه الف

۵- گزینه ب

۶- گزینه ج

۷- گزینه ب

۸- گزینه ج

مجاز مرسل و عقلی:

مجاز لفظی است که در غیر آنچه در اصطلاح تخاطب برای آن وضع شده استعمال شده است که این استعمال به جهت پیوند و مناسبتی است که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و در کنار آن قرینه‌ای می‌آید که مانع اراده معنای وضعی آن می‌شود.

در مجاز چند مبحث وجود دارد:

علاقه: مناسبتی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی وجود دارد و نوع مجاز نیز با علاقه مشخص می‌شود. اگر این علاقه مشابهت باشد مجاز، استعاره خواهد بود و اگر علاقه چیزی غیر از مشابهت باشد مجاز مرسل خواهد بود. قرینه: قرینه چیزی است که مانع اراده معنای حقیقی می‌شود که می‌تواند ذکر شود و یا در ذهن گوینده باشد.

مجاز به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱- مجاز مفرد مرسل:

۲- مجاز مفرد بالاستعاره:

۳- مجاز مرکب مرسل:

۴- مجاز مرکب بالاستعاره:

الف: مجاز مفرد مرسل:

مجاز مفرد مرسل، کلمه‌ای است که در غیر معنای اصلی‌اش به کار رفته است و با مناسبتی غیر از مشابهت و در کنار قرینه‌ای که دلالت می‌کند بر اینکه معنای وضعی‌اش اراده نشده است.

تفاوت کنایه با مجاز این است که در کنایه می توان معنای حقیقی را نیز در نظر گرفت، اما در مجاز این امکان وجود ندارد. برای مثال زمانی که می گوئیم "علی کثیر الرماد" می توان معنای حقیقی را نیز در نظر گرفت اما زمانی که می گوئیم "ینزل لکم من السماء رزقا" نمی توان معنای حقیقی آن را در نظر گرفت.

علاقه های مجاز مرسل انواع فراوانی دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- سببیه: زمانی که رابطه سببیت باشد و سبب ذکر شود و مسبب اراده شود: رعت الماشية الغيث

در اینجا غيث (باران) سبب است که ذکر شده و مسبب گیاه است که اراده شده است.

یا می گوئیم لفلان علی ید: در اینجا ید سبب است که ذکر شده و نعمت مسبب است که اراده شده است.

له أیاد علی سابعه أعد منها و لا أعددها

۲- مسببیه: در این نوع مجاز نیز ارتباط سببیت است با این تفاوت که مسبب ذکر می شود و سبب اراده می شود: و ینزل لکم من السماء رزقا در اینجا رزق که مسبب است ذکر شده و باران که سبب است اراده شده است.

۳- کلیه: ارتباط در این نوع مجاز کلیت و جزئیت است و به این شکل است که کل ذکر می شود و جزء اراده می گردد: يجعلون أصابعهم فی آذانهم در اینجا أصابع (انگشتان) که کل است ذکر شده و أنامل (سرانگشتان) که جزء است اراده شده است.

۴- جزئیه: ارتباط در این نوع مجاز نیز کلیت و جزئیت است با این تفاوت که در این نوع جزء ذکر می گردد و کل اراده می شود مانند: فتحریر رقبة مومنة که در اینجا جزء یعنی رقبة ذکر شده و کل یعنی انسان اراده شده است.

یا: نشر الحاکم عیونه فی المدینة

کم بعثنا الجیش جرا را و أرسلنا العیونا

۵- لازمیت : آن است که وجودش هنگام وجود چیز دیگری حتمی می شود. ذکر لازم و اراده ملزوم مانند طلع الضوء که در اینجا منظور خورشید است.

تفاوت آن با سببیه این است که در سببیه علت تامه است. یعنی زمانی که می گوئیم نور و خورشید لازم و ملزوم هستند چون ممکن است دلیل نور چیز دیگری باشد.

۶- ملزومیت: با وجود آن وجود چیز دیگری حتمی می شود. ذکر ملزوم و اراده لازم. مانند: ملأت الشمس المكان: که منظور از شمس نور خورشید است.

۷- آلیه: زمانی است که اسم آلت ذکر گردد ولی اثر آن مدنظر باشد مانند: واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین. که منظور از لسان ذکر خیر است

فأتوا به علی أَعین الناس (مجاز در اینجا به علاقه آلیه است)

۸- تققید سپس اطلاق: یعنی در ابتدا مقید(با قید) آوردن و سپس مطلق(بدون قید) آوردن مانند مشفر زید مجروح که در ابتدا مشفر مقید به بعیر (شتر) بوده و سپس مطلق شده و در نهایت مقید به انسان شده است.

۹- عمومیه: ذکر لفظ عام و اراده لفظ خاص مانند أم یحسدون الناس که در اینجا لفظ عام (ناس) ذکر شده و لفظ خاص (نبی) اراده شده است.

۱۰- خصوصیه: ذکر خاص و اراده عام. مانند ربیعه که ابتدا نام یک شخص بوده و بعد نام یک قبیله شده است.

۱۱- اعتبار ماکان: ذکر گذشته و اراده آینده. مانند وآتوا الیتامی أموالهم که یتیم به اعتبار گذشته است حال آنکه منظور انسان بالغ است که دیگر یتیم خوانده نمی شود.

إنه من یأت ربه مجرماً فإن له جهنم (در دنیا مجرم بوده و در آخرت مجرم بودن معنا ندارد)

۱۲- اعتبار مایکون: ذکر آینده و اراده گذشته: مانند *إني أراي أعرص خمرا* که خمر به اعتبار آینده است و منظور انگور است که قبل از آن وجود داشته است.

مانند: و لا يلدوا إلا فاجرا كفارا: در اینجا نیز آنچه در آینده به وجود می آید ذکر شده و آنچه در گذشته است اراده شده ، چون انسان زمانی که متولد می شود کودک است و نمی تواند فاجر و کافر باشد بلکه در آینده به آن تبدیل می شود.

۱۳- حالیه: ذکر حال و اراده محل. مانند *ففي رحمة الله هم فيها خالدون*. در اینجا حال (رحمة الله) ذکر شده و محل (بهشت) اراده گردیده است.

یا مانند *خذو زينتكم عند كل مسجد* که حال (زینت) ذکر شده و محل (لباس) اراده شده است

إن الأبرار لفي نعيم

۱۴- محلیه: ذکر محل و اراده حال. مانند *فليدع ناديه* که در اینجا محل (نادی) ذکر شده و حال (مردم) اراده شده است.

یا *يقولون بأفواههم* که در اینجا نیز محل (أفواه) ذکر شده و حال (زبان) اراده شده است

۱۵- بدلیه: ذکر بدل و اراده مبدل منه. مانند *فإذا قضيتم الصلاة* که در اینجا *قضيتم* بدل از *صليتم* است و ذکر شده و مبدل منه یعنی *صليتم* اراده شده است.

۱۶- مبدلیه: ذکر مبدل منه و اراده بدل. مانند *أكلت دم زيد* که در اینجا مبدل منه (دم) ذکر شده و بدل (خونبها) اراده گردیده است.

۱۷- مجاورت: ذکر چیزی که در مجاورت چیزی دیگر است. مانند *كلمت الجدار* که در اینجا *جدار* ذکر شده و چیزی که در کنار و مجاورت آن است (شخص) اراده شده است

۱۸- اشتقاق: این نوع مجاز به نوعی مجاز عقلی است اما اگر منظور استفاده از یک صیغه به جای

استفاده از صیغه دیگر از یک ریشه استفاده شود به آن مجاز مرسل می گویند که چند نوع است:

الف) اطلاق مصدر بر اسم مفعول:

مانند صنع الله الذی أتقن کل شیء در اینجا مصدر (صنع) ذکر شده و مفعول (مصنوع) اراده شده است.

ب) اطلاق اسم فاعل بر مصدر:

مانند: لیس لوقتہا کاذبہ در اینجا اسم فاعل (کاذبہ) ذکر شده و مصدر (مکذوب) اراده شده است.

ج) اطلاق اسم فاعل بر اسم مفعول:

مانند: لا عاصم الیوم من أمر الله در اینجا اسم فاعل (عاصم) ذکر شده و اسم مفعول (معصوم) اراده شده است

د) اطلاق اسم مفعول بر اسم فاعل:

مانند حجابا مستورا در اینجا اسم مفعول (مستور) ذکر شده و اسم فاعل (ساتر) اراده شده است.

مجاز عقلی:

مجاز عقلی اسناد دادن فعل یا شبه آن (اسم فاعل، مصدر و اسم مفعول) به چیزی غیر از آنچه در ظاهر آمده است.

۱- اسناد به زمان: مانند من سره زمن ساءتہ أزمان که در اینجا فعل به زمان اسناد داده شده اما در حالی که زمان آن را انجام نداده بلکه در آن زمان انجام شده است.

یا مانند : یوما یجعل الولدان شیبا

أشباب الصغیر و أفنی الكبیبـ سر کر الغداة و مر العشی

۲- اسناد به مکان: مانند وجعلنا الأنهار تجری من تحتهم در اینجا انهار جاری نمی شود بلکه آبی که در انهار وجود دارد جاری می شود.

۳- اسناد به سبب: بنت الدولة جسرا (دولت سبب بنای پل است نه فاعل)

إنی لمن معشر أفنی أوائلهم قیل الکماة ألا ین المحامونا

هلاکت به قیل الکماة اسناد داده شده بلکه این قول سبب است و هلاکت کننده اصلی جنگاوری جنگاوران بوده است.

أبا المسک أرجو منک نصرا علی العدا و آمل عزا یخصب البیض بالدم

اسناد به عزت اسناد به سبب است چون عزت سبب قدرت است

۴- اسناد به مصدر:

سیذکرنی قومی إذا جدّ جدّهم و فی اللیلة الظلماء یفتقد البدر

در اینجا تلاش کردن به جد نسبت داده شده ولی باید به تلاشگر نسبت داده می شد.

تکاد عطایاه یجن جنونها إذا لم یعوذها برقیة طالب

۵- فاعلیه : (استفاده از اسم مفعول به جای اسم فاعل) جعلت بینی و بینک حجابا مستورا حجاب باید سائر باشد حال آنکه در اینجا حجاب مستور ذکر شده است.

۶- مفعولیه: (استفاده از اسم فاعل به جای اسم مفعول)

دع المکارم لاترحل لبغیتها واقعد فانک أنت الطاعم الکاسی

تست های مربوط به مبحث مجاز عقلی و مرسل:

۱- (أو لم نمکن لهم حرما آمنا) فی الآیة مجاز عقلی علاقته

الف) مکانیة ب) المفعولیة ج) الفاعلیة د) السببیة

۲- (سالت علیه شعابُ الحی حین دعا أنصاره بوجوه کالدنانیر)علاقة المجاز المرسل فی البيت....

الف) آلیه ب) جزئیة ج) سببیة د) کلیه

۳- سنسمه علی الخرطوم (نوع علاقة المجاز المرسل.....

الف) المحلیة ب) الكلية ج) الجزئیة د) الحالیه

۴- (إن العدو و إن تقادم عهده فالحقد باق فی الصدور مغیب) علاقة المجاز المرسل فی البيت.....

الف) الحالیه ب) المحلیة ج) السببیة د) المسببیة

جواب ها:

۱- گزینه ب: حرما آمنا در اصل حرما مأمونا بوده است

۲- گزینه ب: در وجوه مجاز مرسل به علاقہ جزئیہ وجود دارد. و وجوه را که جزء است ذکر کرده و انسانهای شریف که کل است را اراده کرده است.

۳- گزینه ج: مجاز به علاقہ جزئیة . در این ایه جزء یعنی بینی ذکر شده و کل یعنی صورت اراده شده است.

۴- گزینه ب: در اینجا محل (صدور) ذکر شده و حال (قلوب) اراده شده است.

استعارة:

استعارة تشبیهی است که یکی از دو طرف آن (مشبه یا مشبه به) حذف شده است.

استعارة دو نوع است:

۱- استعارة مصرحة: استعارة ای است که در آن مشبه به ذکر شده و مشبه حذف شده است.

فلم أر قبلی من مشی البحر نحوه و لا رجلا قامت تعانقه الأسد

انسان بخشنده به دریا تشبیه شده و تعانقه قرینه است.

۲- استعارة مكنیة: استعارة ای است که در آن مشبه ذکر و مشبه به حذف شده و با یکی از لوازمش به آن

اشاره شده است.

لا تعجبی یا سلم من رجل ضحك المشیب برأسه فبکی

مشیب به انسانی تشبیه شده است که می خندد.

همچنین استعارة به دو نوع تقسیم می شود

۱- اصلية: اگر لفظی که استعارة در آن جاری می شود جامد باشد.

حملت إليه من لسانی حدیقة سقاها الحجا سقی الریاض السحاب

استعارة در حدیقه مصرحه اصلیه و شعر به حدیقه تشبیه شده است

استعارة در حجا مکنیه و اصلیه است و عقل به ابر تشبیه شده اما با یکی از لوازم مشبه به یعنی سقی

آمده است

۲- تبعیة: اگر لفظی که استعارة در آن جاری می شود فعل یا اسم مشتق باشد.

أنت في خضراء ضاحكة من بكاء العارض الهتن

استعاره در ضاحکه مصرحه و تبعیه است و سرسبزی به خندیدن تشبیه شده است

أعجبنى إراقة الضارب دم الباغى

استعاره در الضارب مکئیه تبعیه است چون زدن شدید به کشتن تشبیه شده اما به جای ذکر مشبه به (کشتن) یکی از لوازم آن (خون ریختن) ذکر شده است.

همچنین استعاره به سه نوع تقسیم می شود:

زمانی که از ملائم سخن می گوئیم باید توجه داشته باشیم که ملائم را با قرینه اشتباه نگیریم چون ملائم فقط بعد از تکمیل استعاره یعنی گرفتن قرینه محسوب می شود.

۱- مرشحة: استعاره ای است که با آن ملائم مشبه به ذکر شود:

۲- مجردة: استعاره ای است که با آن ملائم شبه ذکر شود.

فإن يهلك فكل عمود قوم من الدنيا إلى هلك يصير

در عمود استعاره مصرحه اصلیه وجود دارد و الی هلك يصير تجرید است.

۳- مطلقة: استعاره ای است که با آن ملائم مشبه یا مشبه به ذکر نشود و یا هر دو با هم ذکر شود

استعاره تخیلیه و تحقیقه:

استعاره تحقیقه: استعاره ای است که مشبه آن خواه عقلی باشد و خواه حسی محقق شده باشد

استعاره تخیلیه: استعاره ای است که خواه عقلی باشد و خواه حسی محقق نشده باشد و فقط در وهم و خیال محقق شود.

و إذا المنية أنشبت أظفارها ألفت كل تيممة لاتنفع

تمام استعاره های مکنیه تخیلیه است و تخیل قرینه استعاره مکنیه است.

استعاره عنادیه و وفاقیه:

استعاره عنادیه استعاره ای است که اجتماع دو طرف آن در یک چیز ممکن نیست چون آن دو با هم تنافی دارد مانند اجتماع نور و ظلام

أو من كان ميتا فأحییناه

اجتماع مرگ و گمراهی ممکن نیست

استعاره وفاقیه استعاره ای است که اجتماع دو طرف آن در یک چیز ممکن است چون منافاتی با یکدیگر ندارند مانند اجتماع نور و هدایت

أو من كان ميتا فأحییناه

استعاره عنادیه به دو نوع تقسیم می شود:

۱- تملیحیه: استعاره ای است که هدف از آن ظرافت گویی است

رأیت أسدا

زمانی که بخواهی با کسی شوخی کنی

۲- تهكمية: استعاره ای است که هدف از آن مسخره کردن و طعنه زدن است

فبشرهم بعذاب أليم

استعاره در این عبارت تهكمیه است. بشرهم استعاره از اُنذرهم

إنك لأنت الحكيم الرشيد

به جای اینکه بگوید السفیه گفته الحكيم

فأهدوهم إلى صراط الجحيم

تست های مبحث استعارة:

۱- (فقلت له لما تمطى بصلبه و أردف إعجازا و ناء بكلكل) عين الخطأ: في البيت استعارة.....(۸۹)

الف) أصلية (ب) تبعية (ج) مكنية (د) مرشحة

۲- (فنبذوه وراء ظهورهم) عين الصحيح في العبارة استعارة....

الف) معقول لمحسوس (ب) معقول لمعقول (ج) محسوس لمحسوس (د) محسوس لمعقول

۳- و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة) نوع الاستعارة.....

الف) مكنية، أصلية، تخيلية (ب) مكنية ، أصلية، تحقيقية

ج) تبعية ، مكنية ، تخيلية (د) أصلية ، مصرحة ، تحقيقية

۴- عضنا الدهر بناه ليت ما حل بنا به) عين الصحيح:

الف)عضنا: استعارة تبعية مكنية (ب)الدهر استعارة مكنية / بناه ترشيح

ج) بناه جناس كامل و استعارة مرشحة أيضا (د)الدهر استعارة تخيلية/بناه: استعارة مكنية

۵- عين ما ليست فيه الاستعارة التمثيلية:

الف)أنتم طرداء الموتهو ألزم لكم من ظلمكم (ب)احتجوا بالشجرة و أضعوا الثمرة

ج) ساهل الدهر ما ذل لك قعوده (د)من لان عوده كثفت أغصانه

۶- (عصفور في اليد خير من عشرة على الشجرة) في العبارة استعارة....

الف)أصلية (ب)تبعية (ج)تمثيلية (د)مكنية

۷- و إن تك قد ساءتک منى خلیقة فسلى ثیابى من ثیابك تنسل الاستعارة فى ثیابى.....

الف)أصلية ب)تصریحیة ج) وفاقیة د)مکنیة

جواب‌ها:

۱- گزینه ب: در این بیت و در کلمه (بصلبه) استعاره تبعیه نیست، بلکه اصلیه است.

۲- گزینه د: استعاره در این بیت معقول به محسوس است یعنی مشبه معقول و مشبه به محسوس است.

استعاره در نبذ وراء ظهور است که به معنای عدم اهمیت دادن است و مشبه (نبذ وراء ظهور محسوس است و مشبه به عدم اهمیت دادن معقول است)

۳- گزینه الف:

۴- گزینه ب:

۵- گزینه الف:

۶- گزینه ج

۷- گزینه د ثياب را به قلب تشبيه کرده و با یکی از لوازم مشبه به یعنی سلی آورده است

کنایه:

کنایه در اصطلاح لفظی است که معنایی غیر از آنچه برای آن وضع شده از آن اراده شود و از آنجا که قرینه مانع وجود ندارد اراده معنای اصلی نیز جایز است.

البته این به معنایی این نیست که در تمام کنایه ها اراده معنای حقیقی امکان پذیر است و در بسیاری از مثالها اراده معنای اصلی امکان پذیر نیست. برای مثال در مثال الرحمن علی العرش استوی که کنایه از قدرت و تسلط است.

کنایه سه نوع است:

۱- کنایه از صفت: موصوف ذکر می شود (لفظا یا غیر لفظا) و صفت کنایه قرار می گیرد. مانند هو ربیب اُبی الهول (کنایه از پنهان راز)

رفیع العماد طویل النجاد کثیر الرماد إذا ما شتی

در این بیت موصوف لفظا ذکر نشده است

۲- کنایه از موصوف: در این نوع کنایه موصوف کنایه قرار می گیرد. مانند أبناء النیل که کنایه از مصریهاست.

۳- کنایه از نسبت: در این نوع کنایه صفت به موصوف نسبت داده می شود و یا نسبت از آن گرفته می شود

إن السماحة و المروءة و الندی فی قبة علی ابن الحشرج

کنایه دو نوع است:

۱- قریبه: کنایه ای است که در آن انتقال به مطلوب بدون وجود واسطه است

رفیع العماد طویل النجاد کثیر الرماد إذا ما شتا

۲- بعیدة: کنایه ای است که در آن انتقال به مطلوب با یک واسطه یا بیشتر است

فلان کثیر الرماد

کنایه همچنین به چهار نوع تقسیم می شود:

۱- تعریض: آن است که سخن به کار برده شود و با آن به معنای دیگری که از ساختار کلام فهمیده می شود اشاره گردد.

إذا الجود لم یزرق خلاصا من الأذى فلا الحمد مکسوبا و لا المال باقیا

۲- تلویح: آن است که واسطه های بسیاری داشته باشد و به صورت تعریض نباشد

و ما یک فی من عیب فإنی جبان الکلب مهزول الفصیل

۳- رمز: این است که واسطه های آن اندک باشد و بدون تعریض (انتقال بین معنای حقیقی و کنایه در خفا و رمزگونه باشد)

فلان عریض القفا

کنایه از کودنی

۴- ایما (اشاره): آن است که بدون واسطه و تعریض باشد و معنای کنایی آشکار باشد
اکثر کنایه ها از نوع اشاره است.

أما رأیت المجد ألقى رحله فی آل طلحة ثم لم یتحول

تست های مبحث کنایه:

- ۱- إن الذی ملأ اللغات محاسنا جعل الجمال و سره فی الضاد) فی کلمة الضاد..... (۷۹)
- الف) کنایة من نوع التلویح (ب) کنایة من نوع الرمز
ب) مجاز علاقته السببیه (د) مجاز علاقته الکلیة
- ۲- اولئک قوم یوقدون نارهم فی الوادی) فی المثال....
- الف) ایماء (ب) تعریض (ج) تلویح (د) رمز
- ۳- إن فی ثوبک الذی المجد فیہ لضياء یزری بكل ضیاء) فی البیت.....
- الف) استعارة تمثیلیة (ب) کنایة من النسبة
ج) مجاز علاقته السببیه (د) مجاز عقلي و العلاقة مفعولیة
- ۴- یغشون حتی ما تهر کلابهم لایسألون عن السواد المقبل) نوع الکنایة فی البیت باعتبار الوسائط ...
- الف) اشارة و ایماء (ب) تلویح
ج) تعریض (د) رمز
- ۵- فلسنا علی الأعقاب تدمی کلومنا ولكن علی أقدامنا تقطر الدما) فی البیت کنایة.....
- الف) من نوع الرمز (ب) من نوع التلویح
ج) عن النسبة (د) عن الموصوف
- ۶- إن فی ثوبک الذی المجد فیہ لضياء یزری بكل ضیاء) فی البیت کنایة عن و لازم معناها.....

الف) نسبة/الإيماء ب) نسبة / التعريض

ج) موصوف / التعريض د) صفة / الرمز

۷- صحا القلب عن سلمى و أقصر باطله و عرى أفراس الصبا و رواحله) فى البيت كناية عن....

الف) الصفة و هى ترك الملاهى ب) الموصوف و هو ترك الملاهى

ج) النسبة الايمائية و هى ترك السفر د) النسبة التعريضية و هى ترك السفر

-۸

جواب‌ها:

۱- گزینه ب: در الضاد کنایه از موصوف وجود دارد و الضاد کنایه از زبان عربی است و در این کنایه واسطه ها اندک است

۲- گزینه ج: کنایه در این بیت از نوع تلویح است چون تعداد واسطه ها بسیار است.

۳- گزینه ب: در این بیت کنایه از نسبت وجود دارد و بزرگی به لباسهای ممدوح نسبت داده شده است.

۴- گزینه ب:

۵- گزینه ب: در این بیت استعاره از نوع تلویح است چون واسطه ها زیاد است.

بدیع:

۱- (والسماء بنیناها بأید و إنا لموسعون) نوع التوریة فی أید.... (۸۱)

الف) مطلقة (ب) مجردة (ج) مرشحة (د) مبينة

جواب: توریة در این آیه در کلمه بأید است و مرشحة است چون چیزی متناسب با معنای نزدیک ذکر شده و بنینا با معنای نزدیک ید همخوانی دارد.

توریة:

توریة آن است که لفظ دو معنا داشته باشد یکی معنای نزدیک که مراد نیست و دیگری معنای دور که مراد است.

توریة چهار نمونه است:

۱- مجردة: آن است که همراه چیزی متناسب با معنای دور یا نزدیک نباشد

و هو الذی یتوفاکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار

جرحتم در این آیه دو معنا دارد، معنای نزدیک (جراحت) معنای دور (ارتکاب گناه)

۲- مرشحة: توریة ای است که همراه با چیزی متناسب با معنای نزدیک ذکر شود.

والسماء بنیناها بأید

در أید توریة وجود دارد معنای نزدیک (عضو بدن) معنای دور (قدرت)

بنیناها در این آیه با معنای نزدیک (عضو بدن) همخوانی دارد

۳- مبينة: توریة ای است که با چیزی متناسب با معنای دور ذکر شود.

أتلومنی فی عظم نوحی و البكاء شأن المطوق أن ینوح علی غصون

در المطوق توریه وجود دارد معنای نزدیک (چیزی که بر دور گردن باشد) معنای دور (پرنده طوق دار)

در این بیت آن ینوح علی غصون با معنای دور المطوق (پرنده طوق دار) همخوانی دارد.

۴- مهیأة: توریه ای است که با چیزی پیش یا پس از خود محقق می شود

و أظهرت فینا من سماتک سنة فأظهرت ذاک الفرض من ذلک الندب

الفرض و الندب در این بیت توریه است

الفرض معنای نزدیک (حکم شرعی) معنای دور (عطا)

الندب معنای نزدیک (مستحب) معنای دور (مردی که با شتاب بخشش می کند)

ذکر سنة در مصراع قبل باعث شده این توریه محقق شود.

۲- و مولع بفخاخ یمدها و شباک قالت لی العین ماذا یصید قلت کراک) فی البیت.... (۸۷)

الف) توریه ب) استخدام ج) ارضاد د) مشاکلة

جوابها:

۲- در این عبارت در لفظ العین توریه وجود دارد یکی به معنای جاسوس و دیگری به معنای چشم و نوع توریه مهیأة است چون لفظ کری آن را محقق ساخته است

استخدام:

أراعى النجم فى سیرى إلیکم و یرعاه من البیداء جوادی) فى البیت... (۸۲)

الف) التوریة ب) الافتنان ج) الاستخدام د) المقابلة

جواب: گزینه ج النجم در این بیت دو معنا دارد نجم در لفظ به معنای ستاره است و ضمیره در یرعاه به معنای دیگر النجم یعنی گیاه برمی گردد.

استخدام آن است که لفظی که بین دو معنا مشترک است ذکر گردد و از لفظ آن یک معنا اراده شود و سپس ضمیر یا اسم اشاره ای به معنای دیگر آن بازگردانده شود.

فمن شهد منکم الشهر فلیصمه

الشهر در لفظ به معنای هلال ماه است و ضمیر در فلیصمه به معنای شهر یعنی ماه رمضان باز می گردد.

۱- تالله ما ذکر العقیق و أهله إلا و أجراه الغرام بمحجری) فى البیت....

الف) الرجوع ب) التجرید ج) الاستخدام د) الافتنان

جوابها

۱- گزینه ج: در این بیت و در کلمه العقیق استخدام وجود دارد یکی العقیق به معنای اسم مکان و دیگری به معنای اشک.

مراعاة النظير:

۱- ألا وإن اليوم المصموم و غدا السباق و السبقة الجنة و الغاية النار) نوع الصنعة البديعية....

الف) اللف و النشر ب) الالتفات ج) المزوجة د) مراعاة النظير

جواب: در این بیت مراعات نظیر وجود دارد

۲- أطال حجاز الصد بينى و بينه فمقلته الحورا و دمعى ينبع فى البيت من أنواع البديع.....

الف) مراعاة النظير ب) طباق

ج) جناس غير تام د) اسلوب الحكيم

جناس:

کلکم قد أخذ الجا مَ و لا جام لنا

ما الذی ضرّ مدیر الـ جام لو جاملنا (نوع الجناس.....)

الف) المذیل (المحرف) ب) المرفو

ج) المتشابه د) المفروق (اللفظی)

جواب: گزینه ۴

جناس مفروق که نوعی از جناس مرکب است

جناس همانندی دو لفظ در گفتار و ناهمانندی آنها در معناست. جناس دو نوع است؛ لفظی و معنوی

جناس لفظی:

۱- جناس تام:

الف) اگر هر دو اسم یا هر دو فعل باشد مماثل نامیده می شود

و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة

ب) اگر یکی فعل و دیگری اسم باشد مستوفی نامیده می شود.

ارع الجار و لو جار

۲- جناس غیر تام:

الف) مروف: اضافه شدن یک حرف به ابتدای کلمه. دوام الحال من المحال

ب) مکتنف: اضافه شدن یک حرف به وسط. جدی جهدی

ج) مطرف: اضافه شدن یک حرف به انتها. الهوی مطیة الهوان

۳- جناس مضارع: دو حرفی که تفاوت دارند بعید المخرج نباشند لیل دامس و طریق طامس

۴- جناس لاحق: دو حرفی که تفاوت دارند بعید المخرج باشند همزة لمزة

۵- جناس مرکب: دو رکن از حیث مفرد و مرکب بودن متفاوت باشند

الف) مرفوع: اگر یکی از کلمات مرکب از یک کلمه و بخشی از کلمه دیگر باشد

و لا تله عن تذکار ذنیک و أبکه بدمع یضاهی المزن حال مصابه

و مثل لعینیک الحمام و وقعہ و روعة ملقاه و مطعم صابه

ب) مقرون: اگر یکی از کلمات مرکب از دو کلمه کامل باشد و مثل هم نوشته شود

فهمت کتابک یا سیدی فہمت و لا أعجب أن أهیما

ج) مفروق: اگر یکی از کلمات مرکب از دو کلمه کامل باشد و مثل هم نوشته نشود

لا تعرضن علی الرواة قصیدة ما لم تکن بالغت فی تهذیبها

فإذا عرضت الشعر غیر مہذب عدوه منک وساوسا تهذی بها

۶- جناس ملفق: آن است که هر دو رکن جناس مرکب باشد

ولیت الحکم خمسا و هی خمس* لعمری و الصبا فی العنفوان

فلم تضع الأعادی قدر شأنی و لا قالوا فلان قد رشأنی

سوالات:

۱- والمکر مهما استطعت لا تأتیه لتفتنی السؤدد و المکرمه و فی البیت جناس....

الف) مستوف (ب) مماثل (ج) ملفوف (د) مرفوف

چواب ها:

۱- گزینه ۴:

مقابله:

يا أمة كان القبح الجور يسخطها دهرا فأصبح حسن العدل يرضيها) في البيت....

الف) المقابلة ب) الطباق ج) التكافؤ د) الافتنان

تقسیم و تفریق:

له ما فی السموات و ما فی الأرض و ما بینهما و ما تحت الثرى) فی الآیة الکریمة... (۸۸)

الف) التفریق (ب) التقسیم

ج) الجمع مع التقسیم (د) الجمع مع التفریق

۱- تفریق: آن است که بین دو چیز که از یک نوع است از جهت اختلاف حکم آن دو جدایی انداخته شود.

ما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و هذا ملح اجاج

۲- تقسیم: آن است که چند چیز ذکر گردد سپس حکم هر یک از افراد با تعیین به آن نسبت داده شود.

كذبت ثمود و عاد بالفارعة فأما ثمود فاهلكوا بالطاغية و أما عاد فاهلكو بريح صرصر آتية

۳- جمع با تفریق: آن است که گوینده دو چیز را تحت یک حکم گرد آورد سپس بین راههای ورود آنها

تحت آن حکم فرق گذارد

خلقتنی من نار و خلقته من طین

۴- جمع با تقسیم: آن است که گوینده دو چیز یا بیشتر را زیر یک حکم گرد آورد سپس آنها را که جمع

کرده است را تقسیم کند.

۱- ما نوال الغمام وقت ربیع کنوال الأمير یوم سحاء (۸۸)

فنوال الأمير بدرة عین و نوال الغمام قطرة ماء نوع البدیع فی البیتین

الف) التوجیه (ب) التقسیم (ج) التفریق (د) الطی و النشر

۲- کذبت ثمود و عاد بالقارعة، و أما ثمود فاهلكوا بالطاغية و أما عاد فاهلكو بريح صرصر عاتية (في الآية الكريمة..... (۸۵)

الف) الف و النشر (ب) التقسيم

ج) التفريق (د) التفريع

۳- أحسن إلى من شئت تكن أميره، و استغن عن شئت تكن نظيره و احتج إلى من شئت تكن أسيره) في كلام الإمام.... (۸۵)

الف) تقسيم (ب) جمع (ج) جمع مع التقسيم (د) لف و نشر

۴- آراؤکم و جوهکم و سیوفکم فی الحادثات إذا رجون نجوم

فيها معالم للهدى و مصابح تجلو الدجى و الاخریات رجوم) فی البيتین.... (۸۷)

الف) جمع مع الطى و النشر (ب) جمع مع التقسيم

ج) تقسيم مع الطى و النشر (د) تقسيم مع التفريق

جوابها:

۱- گزینه ج: در این عبارت تفريق وجود دارد.

۲- گزینه ب: در این آیه صنعت تقسيم وجود دارد.

۳- گزینه الف: یک نوع از تقسيم آن است که حالات یک چیز ذکر شود و به هر یک از آن حالات ، آنچه سزاوار است اضافه گردد.

۴- گزینه الف: در این عبارت ابتدا (بيت اول) جمع و سپس (بيت دوم) الطى و النشر وجود دارد.

طباق:

۱- لاتدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار تشتمل الآیة علی ... (۸۰)

۲- الف) المقابلة (ب) المشاکلة (ج) طباق السلب (د) مراعاة النظر

جمع کردن میان دو لفظی است که تقابل در معنا دارد که ممکن است دو اسم باشد یا دو حرف و یا دو فعل

هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن

طباق دو نوع است:

۱- طباق ایجاب: طباقی است که از نظر سلب و ایجاب با هم تفاوتی ندارند. مانند: تعز من تشاء و تذل من

تشاء

۲- طباق سلب: طباقی است که دو لفظ طباق یکی مثبت و یکی منفی است مانند: یستخفون من الناس و

لا یستخفون من الله

اتبعوا ما انزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

ایهام تضاد: آنچه تخیلاً به اعتبار اصل معنایش مبنی بر تضاد باشد ملحق به طباق است و ایهام تضاد نامیده

می شود: من تولاه فانه یضله و یهدیه إلی عذاب السعیر

لاتعجبی یا سلم من رجل ضحک المشیب برأسه فبکی

۱- حدیثی قدیم فی هواها و ما له کما علمت بعد و لیس لها قبل (۷۹)

الف) الطباق و المقابلة (ب) الطباق و التوریة (ج) المقابلة و مراعاة النظر (د) حسن التعلیل و المقابلة

۲- ألا إنما ناح الحمام بعد ما ثویت و کانت قبل ذلك تهزج فی البیت..... (۸۴)

الف) التجنیس ب) الطباق ج) السجع د) المقابلة

جواب ها:

۱- گزینه ب: در حدیث توریه وجود دارد (به معنای کلام و نو) و بین بعد و قبل طباق وجود دارد.

۲- گزینه ب: در این بیت بین ناح و تهزج طباق وجود دارد.

افتنان:

جمع کردن بین دو فن ، یا مدح و غزل و یا هجو و تبریک

اصبر یزید فقد فارقت ذا ثقة واشکر حباء الذی بالملک أصفاک

لارزء أصبح فی الأقوام نعلمه کما رزئت و لاعقبی کعقباک

الارصاد:

ومن لم يذد عن حوضه بسلاحه يهدم و من لا يظلم الناس يُظلم) فيما أشير إليه بخط..... (٨٥)

الف) ارصاد ب) حسن تعليل ج) طباق د) مقابله

ارصاد آن است که پیش از فاصله در فقره یا پیش از قافیه در شعر، چیزی ذکر گردد که بر آن فاصله یا قافیه دلالت کند هر گاه که روی شناخته شده باشد

طلبت منه درهما يوما فأظهر العجب و قال ذا من فضة يُصنع لا من ذهب(٨٦)

الف) اسلوب الحكيم و التورية ب) التورية و مراعاة النظير

ج) الارصاد و التوجيه د) الارصاد و الاسلوب الحكيم

جواب: گزینه (د) در این بیت ارصاد و اسلوب حکیم وجود دارد

و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

ادماج:

ادماج آن است که در درون سخنی که بر معنایی دلالت دارد معنای دیگری که به آن تصریح نشده قرارداد شده شود.

أقلب فيه أجفانی كآنی أعد بها علی الدهر الذنوباً

در اصل این معنا برای طولانی بودن شب است اما در لابلاي آن از روزگار نیز گلایه می کند.

مذهب کلامی:

و اسأل نجوم الليل هل زار الكرى جفنى و كيف يزور من لا يعرف) فى البيت.....(۸۲)

الف) الارصاد ب) الطباق ج) الادماج د) المذهب الكلامى

مذهب کلامی این است که گوینده برای صحت ادعای خویش دلیلی قاطع ارائه کند تا مخاطب آن را بپذیرد

لو كان فيهما إلهة إلا الله لفسدتا

أيها الناس إن كنتم فى ريب من البعث فإننا خلقناكم من تراب

مشاکلة:

مشاکلة آن است که چیزی با لفظ غیر ذکر گردد چون همراه آن غیر واقع شده است.

نسوا الله فأنساهم أنفسهم

یعنی (أهملهم)

من مبلغ أفناء يعرب كلها أنى بنيت الجار قبل المنزل

ألا لايجهلن أحد علينا فنجهل فوق جهل الجاهلينا

فصاحت و بلاغت

لیس إلك یا علی همام سیفه دون عرضه مسلول) العیب المخل بالفصاحة فی البیت.....(۸۱)

الف) مخالفة القیاس الصرفی (ب) ضعف التألیف

ج) التعقید المعنوی (د) التعقید اللفظی

جواب: گزینه ب: ضعف تألیف یعنی اینکه کلام بر خلاف قوانین مشهور نحوی باشد.

فصاحت کلمه:

۱- نداشتن تنافر حروف

غدائره مستشزرات إلى العلاء تضل العقاص فی مثنی و مرسل

۲- نداشتن غرابت

و مقلة و حاجبا مزججا و فاحما و مرسنا مسرجا

فخر مدرجا بدم كانی هدمت به بناء مشمخرا

۳- مخالفت با قواعد صرفی

الحمد لله العلی الاجلل الواحد الفرد القدیم الأول

۴- کراهت در سمع

مبارک الاسم أغر اللقب کریم الجرشی شریف النسب

فصاحت کلام:

۱- تنافر کلمات

و قبر حرب بمكان قفر و لیس قرب قبر حرب قبر

۲- ضعف تألیف

خلت البلاد من الغزاة ليلها فأعاضهاك الله كي لاتحزنا

باید در این بیت ضمیر مخاطب بر ضمیر غائب مقدم شود

۳- تعقید لفظی

جفخت و هم لایجفخون بها بهم شیم علی الحسب الأغر دلائل

در اصل باید این گونه بود: جفخت (افتخرت) بهم شیم دلائل علی الحسب الأغر و هم لایجفخون بها

۴- تعقید معنوی

سأطلب بعد الدار عنكم لتقربوا و تسكب عینای الدموع لتجمدا

۵- کثرت تکرار

أقل أنل أقطع أجمل عل سل أعد زد هس بش تفضل أدن سر صل

۶- تتابع اضافات

حمامة جرعاء حومة الجندل اسجعی فانت بمرأى من سعاد و مسمع

جمله انشائیة و خبریه:

قل اخسؤوا فیها و لا تکلمون) عین الغرض من الأمر فی اخسؤوا... (۷۹)

الف) التویخ (ب) الامر (ج) الالهانة (د) التهديد

جواب: اخسؤوا در این آیه در معنای حقیقی خود به کار نرفته و در معنای اهانت به کار رفته است.

کلام دو گونه است خبری و انشائی

کلام انشائی نیز به دو گونه تقسیم می شود:

۱- انشاء غیر طلبی :

مدح و ذم: نعم و بئس

عقود: بهت و اشتريت

قسم: لعمرک ما فعلت کذا

تعجب: ما أفعله

رجاء: عسى الله أن يأتي بالفتح

۲- انشاء طلبی

الف) أمر:

۱- دعا: در صورتی است که فعل امر از پایین به بالا باشد و مخاطب خداوند باشد

رب اوزعنی أن أشکر نعمتک

۲- التماس: در صورتی است که مخاطب در سطح گوینده باشد

أعطني القلم أيها الأخ

و أسروا قولكم أو أجهروا به إنه عليم بذات الصدور المراد من صيغة الامر....(۸۰)

الف) ارشاد (ب) تحذیر (ج) تسویه (د) تعجیز

جواب: گزینه ج

ب) نهی

۱- دعا: ربنا لا تؤاخذنا

۲- التماس: أيها الأخ لا تتوان

۳- توبيخ لا تنه عن خلق و تأتي مثله

لا تعرض لجعفر متشبهها بندی یدیہ فلسست من أنداه المراد من النهی.....(۸۱)

الف) الاهانة (ب) التوبيخ (ج) التحقير (د) التهديد

جواب: گزینه ب (مراد از نهی در این عبارت توبیخ است

ج) استفهام

۱- امر: فهل أنتم منتهون

۲- نهی: أتخشونهم فالله أحق أن تخشوه

۱- أفأصفاكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملائكة إناثا؟ الغرض من الاستفهام (۷۹)

الف) انکار و تعجب (ب) استبعاد (ج) توبيخ (د) نفی

جواب: گزینه الف

۲- هل نافعى أن ترفع الحجب بيننا و دون الذى أملت منك حجاب المراد من الاستفهام.....(۸۱)

الف) النفى (ب) التعجب (ج) الانكار (د) التحقير

جواب : گزینه الف)

۳- أضعونى و أى فتى أضعوا ليوم كربةة و سداد ثغر الغرض من الاستفهام.... (۸۰)

الف) انكار (ب) تأنيب (ج) تعجب و تحسر (د) تعظيم و اكلار شأنه

جواب گزینه ۴

(د) تمنى:

تمنى چهار ادات دارد که یکی اصلی است (ليت) و سه تاى ديگر جانشين آن مى شود

۱-هل: فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا

۲-لو: فلو أن لنا كرة فنكون من المؤمنين

۳-لعل: أسرب القطا هل من يعير جناحه لعلّى إلى من قد هويت أطيير

عين القصد من (لو) فى الآية الكريمة فلو أن لنا كرة فنكون من المؤمنين

الف) ترجى (ب) تمنى (ج) شرط (د) نفى

ه) ندا:

۱- اغزاء: یا مظلوم

۲- استغاثه: یا لله للمومنین

۳- زجر: أفوادی متی المتاب المآ تصح و الشیب فوق رأسی المآ

مبحث ادوات استفهام:

ادوات استفهام سه نوع است

۱- آنچه برای تصور و تصدیق به کار می رود

همزه گاهی برای تصور به کار می رود و گاهی برای تصدیق

تصور: أعلى مسافر أم سعید

تصدیق: أحضر الأمير

۲- آنچه فقط برای تصدیق به کار می رود

هل فقط برای تصدیق به کار می رود هل حافظ المصربون علی مجد أسلافهم

چون برای طلب تصدیق به کار می رود نمی توان بعد از آن ام متصله آورد و نمی توان گفت:

هل سعد قام أم سعید

چون بعد از هل معمولا فعل می آید اگر بخواهیم آنچه پدید می آید را به گونه پدید آمده

جلوه دهیم بعد از هل اسم می آوریم بنابراین فهل أنتم شاکرون نسبت به هل تشکرون دلالت

بیشتری بر شکر دارد.

هل دلالت بر استقبال دارد و بر سر مضارعی که به معنای حال است وارد نمی شود

۳- آنچه فقط برای تصور به کار می رود: باقی ادوات استفهام

متی ترجع؟

عين الصحيح عن هل الاستفهامية.... (۸۱)

الف) هل تترك الكتابة و الجواب باق ؟ ب) هل المعلم جاء أم الطالب؟

ج) هل إن أختك طالبة؟ د) هل والدك يسكن معك؟

جواب: گزینه د) در گزینه الف هل بر مضارعی که به معنای حال است وارد نمی شود.

همچنین ل بر سر (إن) نمی آید.

تست های مبحث مسند و مسند الیه:

۱- عین السبب فی تعریف (لیلی) بالعلمیة فی البیت التالی: (۷۹)

بالله يا طبيبات القاع قلن لنا ليلاي منكن أم ليلي من البشر

الف) الاستلذاذ (ب) التبرک (ج) التعظیم (د) احضارها بعينها فی ذهن السامع

جواب: گزینه ۱: لیلی در این بیت به صورت اسم علم آمده و این به دلیل لذت بردن است.

۲- (وجاء من أقصى المدينة رجل يسعى) تقديم الجار و المجرور..... (۷۹)

الف) لأهمية المجرور (ب) لأمر لفظي (ج) للدلالة على القصر (د) لرفع التوهم

جواب: گزینه د: در این عبارت معمول یعنی جار و مجرور بر عامل مقدم شده و این به خاطر یک امر معنوی یعنی رفع توهم مقدم شده است اگر به صورت موخر یعنی به شکل (و جاء رجل يسعى من أقصى المدينة) گمان می رفت که دنباله فاعل است.

۳- فغشيه من اليم ما غشيه (جاء المسند إليه موصولا لغرض..... (۸۰)

الف) الاستغراق (ب) التوبيخ (ج) التهويل (د) التشويق

جواب: گزینه ۳ در این گزینه مسند الیه (فاعل) به صورت موصول آمده و این به منظور ترس افکندن در پیرامون فرعون

مثال دیگر: من لم يدر حقيقة الحال قال ما قال

۴- عليل الجسم ممتنع القيام شديد السكر من غير المدام (سبب حذف المسند إليه

الف) اخفاء الأمر (ب) الحذر من فوات فرصة سانحة

ج) المحافظة على القافية د) ضيق المقام

جواب: گزینه د: مسند الیه (أنا) در این بیت به خاطر تنگنای موقعیت حذف شده است

مثال دیگر: قال لی: کیف أنت قلت علیل سهر دائم و حزن طویل

۵- (العفو عنك صدر به الأمر) الغرض من تقديم المسند إليه.....

الف) التشويق إلى المتأخر ب) التلذذ

ج) تعجيل المسرة د) تعجيل الخبر

جواب: مراد از تقديم المسند الیه (العفو) در این عبارت تعجيل المسرة است

۶- (إن أكرمكم عند الله أتقاكم) سبب تقديم المسند إليه في الآية الكريمة.....

الف) أنه الأصل و لا مقتضى للعدول عنه

ب) إفادة تخصيصه بالمسند

ج) تمكن الخبر في ذهن السامع لأن في المبتدا تشويقا إليه

د) تعجيل المسرة

جواب: گزینه ۳: در این عبارت مسند إليه مبتدا مقدم شده است چون در آن حکمی وجود دارد که

مخاطب را به شنیدن خبر تشویق می کند و به این وسیله تأکید بیشتری روی خبر به وجود می آید.

۷- (مض لنا مغو للعباد و جاذبهم إلى الجحيم) عين الخطأ في الغرض من حذف المسند إليه.....

الف) اختبار تنبه السامع ب) اتباع الاستعمال الوارد على تركه

ج) تنزیه اللسان عن ذکره د) عدم امکان التصریح لضیق المقام و الوقت

جواب: گزینه ب: غرض از حذف مسند الیه آزمایش فهم شنونده است و ما با حذف آن می خواهیم او را بیازماییم. همچنین به دلیل این که حکم وجهه خوبی ندارد از ذکر مسند الیه ابا کرده ایم. همچنین ممکن است به دلیل کمبود وقت از ذکر آن صرف نظر کرده باشد.

۸- و لكم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین) سبب التقدیم هو.....

الف) التقویة و التأكيد ب) الاهتمام من أجل التبرک

ج) رعاية فواصل الآی د) الاشعار بأنه ليس نعتا

جواب: گزینه د: علت مقدم شدن جار و مجرور (لکم) در این عبارت مشخص کردن این است که (لکم) خبر است نه صفت برای مستقر

۹- (إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالکم) إن الغرض من تعريف المسند إليه بالموصولية هو.....

الف) إخفاء الأمر عن المخاطب ب) التنبيه على خطأ المخاطب

ج) استهجان التصريح بالاسم د) التنبيه على تحقير المسند إليه

جواب: گزینه ب:

مثال دیگر: إن الذين ترونهم إخوانکم یشفی غلیل صدورهم أن تصرعوا

۱۰- سعدت بغرة وجهک الأيام) عين الخطأ فی سبب تقديم المسند.....

الف) التفاؤل ب) التعجيل فی السرور ج) أنه هو الأصل د) التشويق إلى المتأخر

جواب: گزینه ۳: تقديم سعدت به سه دلیل است

۱-تفاوتل چون کلمه خوشبختی در ابتدا آمده

۲-برای تعجیل در سرور

۳-تشویق به متأخر

قصر:

۱- عین الصحیح فی الترجمة (إلى الله أشكو)

(الف) به خدا شکایت می کنم. (نه کاری دیگر)

(ب) حتما به خدا شکایت می کنم. (تردید نداشته باش)

(ج) شکایت بدون تردید به خدا می کنم (موکدا)

(د) فقط به خدا شکایت می کنم. (نه به کسی دیگر)

جواب: گزینه د: در عبارت مورد سؤال الی الله مقصور علیه است و قصر به روش تقدیم ما حقه التذخیر است

۱- (ومن البلیة عدل من لا یرعوی عن غیبه و خطاب من لا یفهم) عین الخطأ فی سبب التقدیم

(الف) الشویق إلى المتأخر

(ب) التعجیل فی المساءة

(ج) قصر الصفة على الموصوف قیقا الأفراد)

(د) قصر الموصوف على الصفة إضافیا (القلب)

جواب: گزینه ۳: قصر در این عبارت، قصر صفت بر موصوف نیست.

فصل و وصل:

وصل یعنی عطف دو جمله به وسیله واو و فصل یعنی عدم عطف به واو

مواضع فصل:

۱- کمال اتصال

کمال اتصال آن است که بین دو جمله اتحاد تام وجود داشته باشد. کمال اتصال به سه شکل است.

الف) تأکید: جمله دوم تأکید برای جمله اول باشد.

یهوی الثناء مبرز و مقصر حبّ الثناء طبیعة الانسان

ب) جمله دوم بیان برای جمله اول باشد

الناس للناس من بدو و حاضرة بعض لبعض و إن لم يشعروا خدّم

ج) جمله دوم بدل برای جمله اول باشد

یسومونکم سوء العذاب ، یذبحون أبناءکم

۲- کمال انقطاع: این که بین دو جمله اختلاف کامل وجود داشته باشد (یکی خبری و یکی انشائی

باشد یا مناسبتی بین دو جمله وجود نداشته باشد)

مثال تفاوت در خبریه و انشائیه بودن:

لست مستمطرا القبرک غیثا کیف یظماً و قد تضمن بحرا

مثال عدم وجود مناسبت

كفى بالشيب للمرء واعظا صلاح الناس فى حفظ الوداد

این مسأله باید هم در معنی و هم در لفظ باشد و اگر جمله ای در معنا انشائی باشد برای عطف مشکلی وجود ندارد:

إنى أشهد الله و أشهدوا أنى برى مما تشركون

۳- شبه کمال اتصال: اینکه جمله دوم بمنزله جواب سؤال مقدر در جمله اول باشد

ثم قالوا: تحبها فات بهرا عدد انجم و الحصى والتراب

۴- شبه کمال انقطاع: زمانی است که بین دو جمله یک جمله دیگر قرار بگیرد و بین این دو جمله مشکلی وجود ندارد اما اگر جمله سوم را عطف کنیم این توهم به وجود می آید که جمله سوم به جمله دوم عطف شده است.

و تظن سلمى أنتى أبغى بها بدلا أراها فى الضلال تهيم

۵- توسط بین کمالین: آن است که بین دو جمله مشکلی برای عطف وجود ندارد اما قصد نداریم جمله دوم را در حکم جمل اول شریک کنیم

و إذا خلوا إلى شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن مستهزئون الله يستهزئ بهم

شرط عطف به واو این است که بین دو جمله جامع وجود داشته باشد که عبارتند از:

۱- موافقت: يقرأ و يكتب

۲- تضاد: يضحك و يبكي

جامع باید هم بین مسند الیه ها باشد و هم مسند ها

بنابراین نمی توان گفت خلیل قادم و البعیر ذاهب

همچنین نمی توان گفت سعید عالم و خلیل قصیر